
سونات کرویتسر

لئو تولستوی

ترجمہ :
پیشہ جعفر



شروزرگار

سرشناسه	: تولستوی، لیو نیکولایوویچ، ۱۸۲۹-۱۹۱۰، Tolstoi, Lev Nikolaevich
عنوان و نام پدیدآور	: سونات کرویچسکی/لئو تولستوی : ترجمه حسن جعفر
مشخصات نشر	: تهران : روزگار ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۴۹۶-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Kreutzer Sonata
یادداشت	: داستان حاضر یا به تنهایی و یا به همراه داستانهای دیگر ترجمه و در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت به چاپ رسیده است.
موضوع	: داستانهای روسی -- قرن ۱۹م.
شناسه افزوده	: جعفر، بنفشه، ۱۳۶۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: PG۳۳۴۹ / س۹۱۳۹۳
رده بندی دیویی	: ۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۰۶۵۵۷



نشر روزگار

رمان روزگار

ملاحظات کرویتسر

لئو تراستوی

ترجمه: بنفشه جعفر

نشر روزگار

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: روزگار

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۴-۴۹۶-۰۰

نشانی دفتر و فروشگاه: خ انقلاب - خ دانشگاه - جنب شهدای ژاندارمری - مرکز خرید دانشگاه

طبقه زیر همکف - پلاک ۴

۰۹۱۲۲۰۳۳۵۴ - ۶۶۹۵۸۱۴۰

rozegar.no@gmail.com / Nashreroozegar.com

درباره نویسنده

کنت لئو نیکالایویچ تولستوی (۱۸۱۰-۱۸۲۸) در استان تولای، در کشور روسیه چشم بر عرصه‌ی این جهان گشود. او در دانشگاه قازان در رشته‌ی زبان‌های شرقی و سپس در رشته‌ی قانون به تحصیل پرداخت. وی تا سال ۱۸۵۱ زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای داشت، سر گذاشت تا اینکه در این سال به هنگ نظامی قفقاز پیوست و سپس معاقب آن در جنگ‌های کریمه شرکت کرد. در سال ۱۸۶۲ با سوفیا آندره‌وونا بیس ازدواج کرد و از او صاحب سیزده فرزند شد.

از تولستوی به عنوان یکی از بزرگترین رمان‌نویسان جهان یاد می‌شود و آثاری از جمله جنگ و صلح (۱۸۶۸-۱۸۶۵) و آنکارینا (۱۸۷۶-۱۸۷۴) گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی او محسوب می‌شود که به شرح جامع و واقع‌بینانه‌ی سبک و سیاق زندگی روسی می‌پردازد. سونات کرویتسر داستان اعترافات یک مرد خود آزار تحت حسادت‌های جنسی و حتی در ابتدای امر برانگیزنده‌ی شور و احساسات آدمی است. سوفیا

۶ • سونات کرویتسر

همسر تولستوی در مورد این داستان همواره بیم آن را داشته است که به راستی تولستوی این داستان را بر اساس تجربیات شخصی و روابط زناشویی اش با سوفیا به جهت زیر سؤال بردن مقوله‌ی ازدواج خلق کرده باشد.

www.ketab.ir

پیش گفتار:

نام این داستان برگرفته از معروفترین سونات ویولن و پیانوی بتهوون است که او آن را به ویولنست گرانسوی معروف هم عصر خود، رودلف کرویتسر اهدا نمود. این سونات در سال ۱۸۰۳ و درست مدت کمی بعد از نوشتن وصیت نامه‌ی هایلینگن سات توسط بتهوون ساخته شد. در آن سال وی به خاطر ابتلا به ناشنوایی به روئانی، ورافتاده مهاجرت کرده بود و در همان جا در صدد خودکشی برآمده بود. از این رو وصیت نامه‌ای برای برادرانش نوشت که در آن به شرح افکار پریشانی‌اش پرداخته بود. از آنجائیکه این سونات بازتاب لجام گسیختگی و پریشانی‌های انکار بتهوون است، همین نام به خودی خود در پیشروی داستان، بیان به همین کلی و پیکره بخشیدن به آن نقش موثری را ایفا کرده است.

صاحب نظران روسی معتقدند تولستوی برای نوشتن این داستان، زندگی شخصی خودش را الگو قرار داده است بنابراین داشتن پیش زمینه‌ای از آن خالی از لطف نیست بخصوص که این داستان باعث بروز تنش‌های زیادی در زندگی خانوادگی او شده بود و در حقیقت هیچ کتابی

به این اندازه در زندگی شخصی نویسنده‌اش و به خصوص در زندگی زناشویی او مشکل آفرین نبوده است.

وی تا سن ۳۴ سالگی عیاشی و خوش گذرانی را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار داده بود اما سرانجام در همان سال تحت تاثیر نیروی عشق قرار می‌گیرد. طوریکه به یکباره رویه‌ی زندگی خویش را تغییر می‌دهد و از دوران مجرد و سرخوشی هایش دست می‌کشد تا با یک دختر اشراف زاده که علاوه بر داشتن هنرهای یک زن خانه دار، پیانو می‌نواخت و دست هم در نویسندگی داشت ازدواج کند. در حقیقت همین مسأله یعنی هنر نویسندگی جرقه‌ی آشنایی آنان را روشن کرد. حمایت سوفیا در خلال سال‌های زندگی مشترکشان از تولستوی قابل تمجید بود. برای مثال او ۴۰۰ صفحه از سش نویس کتاب "جنگ و صلح" را بیش از هفت مرتبه پاکتویس کرده است. رابطه‌ی این دو عاشقانه اما همواره پرتنش بود. به خصوص هنگامی که فرجه یادداشتی که تولستوی در دوران پیش از ازدواجش شرح دوران مجرد و خوشگذرانی هایش را در آن می‌نوشت به دست سوفیا افتاد. این خیالات و روایات سوفیا را تحت تاثیر مخرب خود قرار داد و آمال‌ها و رویاهایی که دنیا بنای زندگی مشترکش را بر آنها برپا ساخته بود به یکباره نابود کرد. با توجه به این تفصیلات زندگی شخصی تولستوی و زندگی کاراکتر اصلی این داستان چنان هم رنگ شده‌اند که دیگر تفکیک آن‌ها از یکدیگر امکان پذیر نیست.

تولستوی دو سال از دوران شصت سالگی‌اش را صرف نوشتن این داستان که مضمون اصلی آن عشق و زناشویی است، کرد. او در این داستان در کنار ترسیم تصورات ذهنی‌اش و خلق یک اثر داستانی، در لفافه به شرح شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی اواخر قرن نوزدهم روسیه و موشکافی در روانشناسی فردی و زندگی زناشویی افراد می‌پردازد. او با بیانی ساده از زبان یک مسافر به کاوش در بسیاری از مسائل لاینفک زندگی زناشویی که در زمان خودش عمدا یا سهوا اغلب نادیده گرفته می‌شده می‌پردازد و داستان را حول تفکرات و اندیشه‌های مردی

می‌گرداند که قریب به یقین از آن به عنوان ابزاری برای بیان حقایق نهفته در ذهن خود و آرام ساختن طغیان افکارش در آن دوره، بهره برده است. در حقیقت شخصیت اصلی داستان به زبان گویای تولستوی در بیان حرف‌های تلنبار شده در گوشه‌ی ذهنش و گله‌ها و شکایت‌هایش از دنیایی که تا آن زمان حدود شش دهه را در آن گذرانده بود تبدیل شده است.

او با خلق شخصیت‌های داستانی‌اش به ابعاد مختلف روانی افراد در حیره‌های متفاوت با یکدیگر، می‌پردازد. گاه گاه اندیشه‌ی خود را از زبان شخصیت‌های مختلف داستان نقد می‌کند، به آن قوت می‌بخشد، علیه آن پیام می‌کند یا بر آن پافشاری می‌ورزد. این چند بعدی بودن افکار و عقاید در خلا داستان، خود نشانگر پریشانی افکار نویسنده است طوریکه گویا او خودش را با افکارش و حتی با تایید و یا رد آنها در جدال است و دچار تناقض شده است. وی در طی این داستان زندگی شخصی خود و بسیاری از جوانان مثال بود او در دوره‌ی جوانی، میان‌سال و کهن سالی به تصویر کشیده است. از همین رو این داستان گویای احوالات افراد زیادی در جامعه است که البته به سبب تابو بودن موضوع داستان در زمان خلق آن، کمتر کسی از این اثر حمایت کرد. در حقیقت این اثر از برجسته‌ترین آثار تولستوی در سومین دوره‌ی زندگی او است. دوره‌ای که او تحت تسلط بحران‌های عمیق مذهبی و اخلاقی قرار گرفته بود و سرانجام به مدد این داستان سرخوردگی‌های پیاپی خود را از زندگی آمیخته به لذات دنیوی نمایان ساخت. او در "سونات کرویتر" سعی دارد تا نتیجه‌ی برپایی یک زندگی زناشویی بر پایه‌ی معیارهای ماد است، پیامدهای ازدواجی تنها براساس جاذبه جنسی و از روی شهوت و عدم پیدایش تفاهم و عطوفت را در این سبک از زندگی به تصویر بکشد و بیان دارد که عنصر اصلی برای تشکیل یک خانواده الفت، دوستی و عشق است که این روزها در پس رنگارنگی عناصر دیگر محو گشته است.

این داستان حتی در سال‌های خود اجازه‌ی چاپ نیافت تا اینکه سوفیا تولستوی، همسر تولستوی، شخصا به حضور تزار رسید و موافقت او را برای چاپ این داستان جلب کرد. که تازه آن زمان هم با اعمال سانسور مواجه گشت. گرچه سوفیا همواره چه به جهت اندیشه‌ی رایج بین افراد مبنی بر همسان پنداشتن شخصیت زن داستان با او، و چه از جهت آشکار گشتن حقیقت افکار و اندیشه‌های صریح و بی‌پروای تولستوی در این کتاب، دلخوری و تحقیر فراوانی را متحمل می‌شد اما همواره سعی داشته تا سلام درد که زندگی او از زندگی زن این داستان جدا بوده و نباید آن را بازتاب زندگی شخصی آنان دانست. بالاخره داستان «سونات کرویتسر» در سال ۱۸۹۱ منتشر شد، داستانی مملو از گله نسبت به بی‌اخلاقی هنر از زبان هنریک برمند.

مترجم

تهران

پائیز ۱۳۹۲